

# نقد و نظر در حکم «تلقیح نطفه»



حجة الاسلام والمسلمین حسین کریمی

استادیار و مدیر گروه فقه دانشگاه قم



تلقیح نطفه در رحم مصنوعی و یا در رحم زنی که نسبت به صاحب نطفه بیگانه است، از مباحثی است که امروزه در حوزه فقه اسلامی مطرح است. آیه الله محمد مؤمن حفظه الله، در کتابی تحت عنوان «کلمات سدیة فی مسائل جدیدة»<sup>۱</sup> طی مقاله ای به بحث پیرامون صور مختلف این موضوع پرداخته است. نویسنده این مقاله، ضمن بیان سه فرض عمده در این مسأله، نظریه این فقیه محترم را از نظر مبانی و روش استدلال به نقد کشیده است.



## ۱. مقدمه

تلقیح نطفه دارای صورتهای مختلفی است که اهم موارد آن به شرح ذیل است:

الف □ انتقال نطفه به رحم، پس از ترکیب نطفه زن و شوهر در خارج از رحم

این عمل، چنانچه مستلزم عمل حرام دیگری مانند لمس یا نظر نامحرم نباشد از نظر

شرعی جایز است و فرزندان به صاحبان نطفه ملحق است.



ب □ ترکیب نطفه زن و شوهر و انتقال آن به رحم همسر دیگر مرد

این فرض نیز چنانچه مستلزم عنوان محرم دیگری نباشد، از نظر شرعی جایز و فرزند ملحق به صاحبان نطفه است. اما مادر بودن صاحب رحم، محل اشکال است. گرچه اقوی این است که به دلیل تغذیه کودک از صاحب رحم، او نیز مادر محسوب می شود؛ زیرا از نظر عرف، عنوان مادر و فرزند صدق می کند و آیه «ان امهاتهم الا اللاتی ولدنهم»<sup>۲</sup> مادران آنها تنها کسانی اند که ایشان را زاده اند»، مؤید آن است. البته در مورد ارث، احتیاط در مصالحه است.

ج □ انتقال نطفه مرد به رحم زن بیگانه توسط خود زن یا شوهرش

در مورد عدم جواز این فرض بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. موضوع نقد و نظر ما در این مقال، همین فرض است.

## ◁ ۲. ادلة حرمت فرض سوم و نقد آن

برخی برای حرمت این فرض به آیات و روایاتی استدلال کرده اند که در اینجا به نقد و بررسی اهم آنها می پردازیم.

□ ۱. ۲. ادلة قرآنی

● ۱. ۱. ۲. «والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون»<sup>۲</sup> و کسانی که پاکدامند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هرکه فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگاند.»

وجه استدلال: فرض یاد شده از موارد انتفاع از غیر همسر و کنیز است. از این رو، مشمول حکم «فاولئک هم العادون» خواهد شد.

نقد: به حکم عرف، منظور از حفظ دامن، آمیزش جنسی با بیگانه است و شامل فرض مورد بحث نمی شود.

در همین ارتباط، برخی به آیات «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم»<sup>۴</sup> و «یحفظن فروجهن»<sup>۵</sup> استدلال کرده اند. باید گفت مقصود از این دو آیه نیز استمتاع از غیر همسر و کنیز است و شامل هرگونه اقدام نمی شود.

● ۲. ۱. ۲. «نساءکم حرث لکم»<sup>۶</sup> زنان شما کشتزار شما هستند»

وجه استدلال: فرض یاد شده از موارد حرث در غیر همسر است، لذا با ظاهر این آیه

سازگار نیست.

نقد: از این آیه، حصر استفاده نمی‌شود. اگر چنین بود، پرورش نطفه در رحم مصنوعی نیز مورد اشکال قرار می‌گرفت، در حالی که کسی اشکال نکرده است.

□ ۲.۲. ادلهٔ روایی

● ۱.۲.۲. علی بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: انَّ اشدَّ النَّاسِ عذاباً یومُ القیامة رجلاً اقرَّ نطفته فی رحم یحرم علیه؛<sup>۷</sup> در روز قیامت، شدیدترین عذاب را مردی دچار

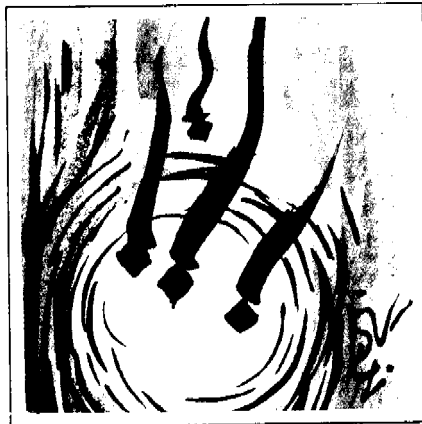


می‌شود که نطفهٔ خود را در رحم نامشروع قرار دهد.»

آیت‌الله مؤمن به اطلاق حدیث استناد کرده است؛ به نظر ایشان، ظاهر روایت هم زنا و هم قرار دادن نطفه در رحم اجنبیه را دربر می‌گیرد، از این رو، هر دو از مصادیق فعل حرام است. ایشان سند حدیث را به دلیل مجهول بودن علی بن سالم فاقد اعتبار دانسته است.<sup>۸</sup> نقد: همان طور که در مورد آیات گفتیم، اینگونه تعبیرها کنایه از زناست و معنای مطابقی آنها مورد نظر نبوده و فاقد اطلاق است. اما از نظر سند، گرچه علمای رجال، علی بن سالم را توثیق نکرده‌اند، اما کسی نیز وی را تضعیف نکرده است. از آنجا که عده‌ای از بزرگان اصحاب ما مانند ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن و عثمان بن عیسی از او روایت کرده‌اند، این امر توثیق عملی محسوب شده، حدیث را از اعتبار لازم برخوردار می‌سازد.



● ۲۰۲۰۲. عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: قال النبی: ما یعمل ابن آدم عملاً اعظم عند الله تبارک و تعالی من رجل قتل نبیاً او اماماً او هدم الکعبة التی جعلها الله عزوجل قبلة لعباده او افرغ مائه فی امرأة حراماً؟<sup>۹</sup> از امام صادق علیه السلام نقل است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گناهی بالاتر از کشتن پیامبران و امامان و انهدام کعبه معظمه و ریختن نطفه در رحم زنی از راه حرام نیست.»



در غوالی اللثالی نیز آمده است: «ما من ذنب

اعظم عند الله من نطفة يضعها الرجل فی رحم لا یحلّ له»<sup>۱۰</sup>

از نظر آیت الله مؤمن این روایات نیز مطلق است و فرض مورد نظر ما را در بر می گیرد. البته ایشان سند را از ناحیه قاسم بن محمد اصفهانی مورد خدشه قرار داده، گرچه در نهایت، اعتبار آن را پسندیده است.<sup>۱۱</sup>

نقد: از نظر ما مفاد حدیث به زنا انصراف داشته و لذا فاقد اطلاق است.

● ۳۰۲۰۲. اسحاق بن عمار گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زنا بدتر است یا شرب خمر، چگونه است که حدّ شرب خمر هشتاد تازیانه و حدّ زنا صد تازیانه است؟ امام فرمود: «الحدّ واحد ولكن زید هنا لتضییعه النطفة و وضعه ایاها فی غیر موضعه الذی امر الله عزوجل به»<sup>۱۲</sup>

آیت الله مؤمن با استدلال به این حدیث گفته اند: وضع نطفه در غیر محلّ مشروع حرام و موجب عقوبت است. بنابراین اطلاق حدیث، تلقیح نطفه در رحم زن بیگانه را نیز شامل می شود.<sup>۱۳</sup>

نقد: حدیث در مقام بیان مفاسد زناست به این معنا که مفسده زنا زیادتیر از مفسده شرب خمر است زیرا در زنا علاوه بر بی عفتی، تضییع نطفه و اختلال در انساب افراد هم وجود دارد و از آن استفاده نمی شود که مجرد تضییع نطفه، ولو خارج از عنوان زنا، مفسده ملزمه داشته باشد، لذا عزل نطفه امری حلال است. البته این امر مورد قبول معظم له نیز هست، لکن می گویند که موضوع این روایت، وضع نطفه در محلّ حرام است و عزل در غیر محلّ حرام، حرام نیست. در اینجا این اشکال وارد می شود که حرمت یا عدم حرمت تلقیح در رحم اجنبیه با مباشرت شوهر، موضوع بحث و محل نزاع است و با این حدیث نمی توان موضوع دلیل را

اثبات کرد! زیرا هیچ حکمی موضوع خود را تثبیت نمی‌کند.

سپس فرموده است که سند حدیث مشتمل بر عده‌ای از افراد مجهول است. شیخ طوسی این حدیث را به اسناد خود از محمد بن احمد از ابی عبدالله رازی از حسن بن علی بن ابی حمزه از ابی عبدالله المؤمن از اسحاق بن عمار نقل کرده است. شیخ طوسی در کتاب فهرست می‌نویسد: ابی عبدالله، زکریا مؤمن دارای کتابی است که آنرا از ابن ابی جید (علی بن احمد) از ابن ولید از صفار از محمد بن عیسی بن عبید روایت می‌کنم.<sup>۱۴</sup>

رجال این طریق تماماً ثقه و از بزرگان اصحاب‌اند. فقط در باره ابن ابی جید مناقشه وجود دارد که در کتب قدماي رجال ذکری از مدح و ضعف او نشده است، ولی با توجه به کثرت روایات شیخ از او، متأخرین از علمای رجال مانند علامه حلّی و بحر العلوم، مامقانی و آیت‌الله خوئی او را ثقه دانسته‌اند. گذشته از آنکه شیخ طوسی در تهذیب به ابی عبدالله مؤمن چند طریق دارد که بعضی از طرق او مشتمل بر ابن ابی جید نیست و تمام رجال آن از ثقات می‌باشند، از این رو معلوم می‌شود که شیخ به کتاب زکریا بن مؤمن چندین طریق دارد که بعضی از آنها صحیح می‌باشد.<sup>۱۵</sup>

عمده خود ابی عبدالله (زکریا مؤمن) است که تصریح به وثاقت یا مدح او نیست ولی جمعی از اجلای اصحاب از او روایت کرده و وی را صاحب اصل دانسته‌اند، مضافاً بر اینکه وی از رجال کامل‌الزیارات است.<sup>۱۶</sup> بنابراین اقوی اعتبار حدیث وی می‌باشد.

آیت‌الله مؤمن در ادامه فرموده است: اگر کسی اشکال کند که تضييع نطفه، حکمت حکم است نه علت، پاسخ می‌دهد به اینکه حکمت حکم اقوی از علت است، زیرا در حکمت دایره حکم اعم است از مورد وجود آن، و شامل مواردی هم که حکمت نیست می‌شود بنابراین هر جا حکمت وجود داشت قایل به ثبوت حکم می‌شویم.

نقد: آنچه به عنوان حکمت تشریح در لسان روایت آمده حکمت منحصر و ملاک تام نیست بلکه بعضی از حکم است و لذا حکمت‌های دیگری نیز در اخبار آمده است.<sup>۱۷</sup> باید دانست که یک حکمت از میان چند حکمت، موجب ترتب حکم نمی‌شود. در حکمت‌ها، معصوم در صدد توجیه جعل قانون و بیان فلسفه احکام است و این هدف با بیان بعضی از حکمت‌ها تأمین می‌شود. بنابراین چون انحصار در این حکمت محرز نیست، نمی‌توان از مورد نصّ تعدی کرد، بلکه بر فرض انحصار نیز تعدی از مورد نص اشکال است زیرا

حکمت مانند علت برای تطبیق حکم بر آن نیست؛ در علت ضابطه حکم تعیین می شود تا حکم بر موارد وجود علت تطبیق داده شود، اما در حکمت، شارع این ضابطه را به دست مکلف نداده، بلکه در مقام توجیه قانون و رفع اشکال از آن است. این خود بحث مفصلی دارد که در اینجا به همین اندازه اکتفا می شود.

### ◀ ۳. نظریه نگارنده مقاله

روش صحیح در این بحث، استدلال به روایاتی است که صریحاً دلالت بر لزوم احتیاط در امر فرزند دارد مانند روایات زیر:

۱ - صحیح شعب الحداد... رجل من موالیک یقرئک السلام و قدارادان یتزوج امرأة و قد وافقته و اعجبه بعض شأنها و قد کان لها زوج فطلقها علی غیر السنّة و قد کره ان یقدم علی تزوجها حتی یتستأمرک فتکون انت تأمره فقال ابو عبدالله علیه السلام هو الفرج و امر الفرج شدید و منه یکون الولد و نحن نحتاط فلا یتزوجها.

۲ - عن علاء بن سیّاب قال سألت ابا عبدالله عن امرئة و کلت رجلاً بان یزوجها من رجل الی ان قال فقال علیه السلام ان النکاح احری و احری ان یحتاط فیه و هو فرج و منه یکون الولد.<sup>۱۸</sup>

از این دو حدیث به خوبی استفاده می شود که هر جا در امر توالد و تناسل گرفتار شک شدیم باید راه احتیاط و اجتناب را پیشه نماییم و جای تمسک به اصل برائت نیست. آنچه گفته شد مربوط به حکم تکلیفی است. از جهت حکم وضعی هر گاه اقدام به تلقیح به روش مذکور شد فرزند ملحق به صاحب نطفه می شود. دلیل آن روایاتی است که در فرض قبل مورد بحث قرار گرفت.<sup>۱۹</sup>

٢. مجادله (٥٨)، ٢.
٣. مؤمنون (٢٣)، ٧-٥.
٤. نور (٢٤)، ٣٠.
٥. نور (٢٤)، ٣١.
٦. بقره (٢)، ٢٢٣.
٧. شيخ حرّ عاملي: وسائل الشيعة، المكتبة الاسلاميه، تهران، ١٣٨٣ق، ج ١٤، ص ٢٣٩.
٨. ر.ك. مؤمن، محمد: كلمات سديده في مسائل جديدة، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، قم، ١٤١٥ق، ص ٨٢.
٩. شيخ حرّ عاملي، وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٢٣٩.
١٠. ابي الجمهور احسايي: غوالي اللثالي، مطبعه سيدالشهدا، قم، ١٤٠٣ق، ج ١، ص ٢٥٩.
١١. ر.ك. مؤمن، محمد: كلمات سديده في مسائل جديدة، ص ٨٢.
١٢. شيخ حرّ عاملي، وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٢٦٧؛ شيخ صدوق: علل الشرايع، المكتبة الحيدريه، نجف، ١٣٨٥ق، ج ٢، ص ٥٤٣.
١٣. ر.ك. مؤمن، محمد: كلمات سديده في مسائل جديدة، ص ٨٥-٨٤.
١٤. شيخ طوسي، فهرست، المكتبة المرتضوية، نجف، بي تا.
١٥. ر.ك. اردبيلي، محمدبن علي: جامع الرواة، دارالاضواء، بيروت، ١٤٠٣ق.
١٦. ر.ك. ابن قولويه، جعفر بن محمد: كامل الزيارات، نشر صدوق، تهران، ١٣٧٥ش، ص ١٥.
١٧. ر.ك. شيخ حرّ عاملي: وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٢٣٤.
١٨. همان، ص ١٩٢.
١٩. همان، ص ٤٧٧.

